



دکتر منوچهر اکبری

## یادگار امام، پژواک امام...

نبودیم. البته باید انصاف داد که دفاع مقدس هم بسیاری را با خود همراه کرد و تصور نمی‌کردیم پس از پایان جنگ، خواست و نگاه و آرمانهای نسل سوم این گونه باشد. باید اقرار کنیم که همه اندکی غفلت کردیم. فکر کردیم امام عزیز همواره با ما خواهد بود. شاید هم سنگینی و تلخی و تصور فقدان امام به ما اجازه نمی‌داد که به روزگار پس از ایشان بیندیشیم.

اینک آرای امام با رویکردی خاص، مورد توجه همه مسئولین مملکت قرار گرفته است و این ویژگی آرا و اندیشه‌های مردان الهی است که هم با مردم و نسل همراه خویش حرف می‌زند و هم برای آیندگان راهگشایند. گویا نیرویی، ده سال قبل از رحلتش، به یادگار عزیز امام هشدار می‌داد که وضع، همیشه بدین صورت نمی‌ماند. دنیای متلاطم و شرایط جدید جهانی، وضع جدیدی را بر ما تحمیل می‌کند و نوع نفوذ و تهاجم استکبار جهانی عوض می‌شود. اگر استکبار، روزگاری با حضور مستقیم خود یا عوامل داخلی، در کشور و سرزودت مردم دخالت می‌کرد، امروز ابزار و شیوه‌ها و روشهای نفوذ خود در کشورها را عوض کرده است. البته نفوذ جدید برای استکبار هم، پیچیده‌تر، سخت‌تر و حتی کم‌اثرتر خواهد بود، اما به هر حال او دست از کار نمی‌کشد.

یکی از ساده‌ترین تهاجمات یا خواسته‌های استکبار این است که خط و اندیشه و جهت‌گیریهای امام را کم‌رنگ یا فرعی کند و یا آنها را به حاشیه براند و یا حتی آن را آن قدر مقدس کند که دست نیافتنی تلقی شوند و این، برای آنها، پیروزی است. از این روست که خردورزان و نکته‌سنجان کشور و انقلاب دریافته‌اند که باید رساناس و رویکرد جدیدی را برای تضمین استمرار انقلاب و شعارهای آن در چهارچوب آرای امام فراهم کرد. آرای امام را نباید به گونه‌ای جدید مطرح کرد، بلکه باید به سرچشمه، به امام و رهنمودهای ایشان بازگشت، باید از کانون نور کسب معرفت کرد، باید همیشه در همسایگی دریا زندگی کرد، باید از غفلت برهیز کرد، باید در اثر خودسازی، در درون خویش نیروی را فراهم آوریم که به ما تلنگر بزند.

یادگار امام که به واقع باید پاسدار اندیشه‌های ناب و محمدی امام عزیز است، در برابر تهاجم دشمنان علیه انقلاب اسلامی در همه دورانها، تقویت روحیه مقاومت و ایستادگی و قاطعیت را همراه با

را تسخیر خواهد کرد. پیام انقلاب اسلامی پیروی از حق است. «اینک که پس از حدود یک دهه، این سخنان را مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که یادگار امام، گویا وضع فعلی را پیش‌بینی کرده و با این حرفها را خطاب به نسل فعلی گفته بود. علاوه بر تناسب این سخنان با شرایط فعلی، ایشان حتی برای آینده هم معتقدند که، «یگانه سلاح ما افکار امام خمینی است». آن هم در شرایطی که «دشمنان از همه ابزارها برای نابودی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند». چه بسا آیندگان، ما را به جرم عدم ترویج اندیشه‌ها و آرا و افکار امام، مورد بازخواست قرار دهند. اینک که تا حدی آنها را آسیاب افتاده است، باید به گذشته برگشت و برخی از کارها را در بونه نقد گذاشت و به برخی از کوتاهیها اقرار کرد. ما مثل مسافرانی هستیم که راههای بسیار طولانی را با تمام سختی و فشار طی می‌کنند و وقتی به مقصد می‌رسند، تصورشان این است که کار به پایان رسیده است و دیگر، سفری در پیش ندارند و حتی مسافری به دنبال آنها نخواهد آمد.

وقتی انقلاب پیروز شد و امام عزیز، باشکوه و شوکت به وطن باز گشتند، حال آن مسافر را به خود گرفتیم و به فکر نسل دوم و سوم

از مجموعه آنچه به عنوان دیدگاههای امام از زبان و نوشته‌های یادگار امام برلمان به ارمغان مانده است، درمی‌یابیم که امام را باید به تمام معنا و زوایا و ابعاد و جودی قبول داشت نه یکی از ابعاد را گرفت و دیگر ابعاد را رها کرد. یادگار امام با زیرکی و کیاستی خاص دریافته بود که ممکن است آیندگان در اثر تهاجم بیگانگان و یا ضعف و نبود پیشینه و پشتوانه قوی عقیدتی و یاسادگی و عدم شناخت و درک نقش خارق العاده و شخصیت کاریزما امام، روزی متزلزل شوند و در فضای مه‌آلود و تیره سیاسی، راه از چاه شناسند و خدای ناکرده در اصالت مواضع و نگاه و تکرش و تفسیر و قرائت امام از اسلام تردید کنند. ایشان با واقع‌بینی و آینده‌نگری، در عین عشق و ارادت به پیر و مراد خود در چنان شرایطی، عروه‌الوقای قابل اعتماد را تبیین کرد؟ این پرسشی است که در برابر نسل دوم و سوم بی جواب مانده است. اگر در باره آرا و اندیشه‌ها و بیاناتی که یادگار امام با دقت و وسواس و نکته‌سنجی فرموده‌اند، تأمل کافی شود، در می‌یابیم که مرحوم حاج‌نسید احمد خمینی، هم به عصر و روزگار خود توجه داشته‌اند و هم برای آینده، راه حل دارند:

«بزرگداشت امام خمینی (س) از اصلی‌ترین وظایف دستگاههای فرهنگی و تبلیغاتی کشور است. ما باید این فرصت را در جهت انتقال پیام انقلاب، امام و مواضع رهبری هدایت کنیم. در شرایطی که دنیای استکباری، دشمنی کینه‌توزانه خود را در اشکال گوناگون، علیه ارزشها و دستاوردهای انقلاب قوت بخشیده و در رأس ارزشهای انقلاب اسلامی، افکار امام خمینی (س) را مورد تهاجم قرار داده است، باید مراسم سالگرد رحلت حضرت امام (س) را موقعیت مناسبی برای انعکاس ارزشهای اسلامی و انقلابی و معرفی ابعاد ناشناخته افکار امام خمینی (س) بدانیم. در شرایط متلاطم جهان کنونی و آینده، افکار و اندیشه‌های امام را، حل، ذخیره و پشتوانه همیشگی نظام و انقلاب باقی خواهد ماند و همه آحاد مردم موظفند تلاش کنند که با گذشت زمان، افکار و جهت‌گیریهای ایشان ناشناخته و مجهول نمانند. در وضعیت حال و آینده که دشمنان از همه ابزارها برای نابودی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند، یگانه سلاح ما، افکار امام خمینی (س) است. اگر ما چهره واقعی امام و انقلاب اسلامی را به دیگران معرفی کنیم یقیناً پیام انقلاب، قلب انسانهای آزاده

**وقتی انقلاب پیروز شد و امام عزیز، باشکوه و شوکت به وطن باز گشتند، حال آن مسافر را به خود گرفتیم و به فکر نسل دوم و سوم نبودیم. البته باید انصاف داد که دفاع مقدس هم بسیاری را با خود همراه کرد و آرمانهای نسل سوم این گونه باشد. باید اقرار کنیم که همه اندکی غفلت کردیم. فکر کردیم امام عزیز همواره با ما خواهد بود. شاید هم سنگینی و تلخی و تصور فقدان امام به ما اجازه نمی‌داد که به روزگار پس از ایشان بیندیشیم.**





سرنوشت اسلام و مبارزه جدی با تبلیغات سوء استکبار جهانی است، زیرا شیاطین کوردل، با تبلیغات کینه‌توزانه خود تلاش می‌کنند شور انقلابی مردم ما را در انتخابات ریاست جمهوری کم‌رنگ جلوه دهند.»

#### خودسازی و جهاد با نفس

از جمله توصیه‌های دیگر یادگار امام، اهمیت دادن به مبارزه درونی است. همان‌گونه که در برخی از مواقع، جنگیدن با عوامل استکبار و دفع تجاوز بیگانگان و متجاوزان از وطن، ضرورت دارد، مبارزه بسیار مهم دیگری نیز فراوی ماست که آن را باید مبارزه بزرگ یا جهاد اکبر نامید و آن جهاد با نفس است. امروز هم برخی از خطرات و رخنه‌ها و نفوذها و چشم‌امیدی که عوامل بیگانه و استکبار جهانی به کشور دوخته‌اند، از این ناحیه است. وقتی ما اسیر هواهای نفسانی می‌شویم، دشمن واقعی و شیطان بزرگ و اقمارش را از یاد می‌بریم، از بیرون غافل و به خود مشغول می‌شویم و در اثر بی‌دقتی تا آنجا پیش می‌رویم که باران دیرپوز و همسنگران قدیمی را در هر جناح و خط و موضعی که باشند، دشمن اصلی فرض می‌کنیم و این، آغاز شکست ماست. در چنین شرایطی ضرورت ندارد بیگانگان به ما حمله کنند، زیرا خودمانند خوره از درون، خود را می‌خوریم و چه بسا در کوتاه‌ترین زمان فرو بریزیم. سخنان و تذکرات یادگار امام که به راهنمودهای امام شباهت تام دارند، در این زمینه نیز بسیار راهگشا هستند: «امروز، فرزندان انقلابی امام، به خاطر تهدیدات دشمنان اسلام در داخل و خارج از کشور، باید خود را برای مبارزه‌های سخت‌تر آماده کنند. برای تداوم آرمانهای امام و انقلاب، تنها شعارهای تند کافی نیستند، زیرا خط امام در مبارزه با استکبار و دشمنان ظاهری خلاصه نمی‌شود. باید برای جنگی سخت‌تر، یعنی (جهاد با نفس) مهیا شویم. رمز نفوذ امام در قلوب مسلمانان و آزادخواهان این بود که واقعاً مسئله اساسیشان را در این زمینه حل کرده بودند. امروز، نظام و انقلاب مقدس اسلامی از همه سو مورد هجوم بی‌رحمانه دشمنان قرار گرفته است. برای مقابله جدی با آنان، قبل از هر کاری، باید خودمان را از قید هواهای نفسانی آزاد کنیم.»

شاید در دوران پیروزی و حتی سالهایی که کشور درگیر دفاع مقدس بود و همه نگاهها و اراده‌ها و اندیشه‌ها و نیروها به نوعی به فکر آزادی مناطق اشغال شده از دست دشمن متجاوز بودند، بحث خطر و مقابله و وابستگی فکری و فرهنگی یا آنچه که تهاجم

تضعیف شده است. این تفکر غلط به تدریج، کار را به جایی می‌رساند که هر مسئولی در هر منقعه‌ای از کشور، عمل خود را عین اسلام و حرف خود را حکم اسلام می‌داند و باورش می‌شود که اسلام و انقلاب همان است که من مسئول فکر می‌کنم. اینها باورهای غلطی هستند. اگر رسانه‌های گروهی و خبرگزاری ما خوب عمل کنند، این روحیه‌ها ترویج نمی‌شوند. حضرت امام (ره) با چنین روحیه‌هایی شدیداً مخالف بودند و امروز هم مانع‌الاجزه بدیهیم که دوباره، روحیه دیکتاتوری دوران ستمشاهی به جامعه اسلامی و انقلابی ما بازگردد. اینگونه روحیات و نفوذ آن به جامعه، مقدمه دیکتاتوری است و رسالت رسانه‌های خبری و خبرگزاری جمهوری اسلامی این است که با آن مقابله کنند.»

#### حضور مردم

همیشه در ذهن و زبان و فلسفه نهضت امام خمینی، مردم به عنوان یکی از ارکان مهم و کارساز مطرح بوده‌اند و امام به واقع، جایگاه رفیعی را برای مردم قائل بودند. امام و پس از ایشان، مرحوم حاج احمد آقا، مردم را برای حضور پرشکوه و شرکت فعال تر در انتخابات مختلف تشویق می‌کردند. آنها می‌دانستند که یکی از راههای بیمه کردن انقلاب و نهضت در برابر طمع دشمنان، خود مردمند. اگر استکبار با ترفندها و توطئه‌های خود بتواند مردم را از صحنه خارج کند، به حاشیه براند و خشتی و بی‌طرف کند، به اهداف بلند می‌آید.

حضور مردم در آغاز نهضت و بی‌تردید در ادامه حیات انقلاب، از هزاران انبار مهمات و نمایش تجهیزات مهم و کارآمد جنگی مؤثرتر بود. قطعاً حضور فراگیر مردم برای بیگانگان مهم است. آنها در مواردی مستقیماً وارد تبلیغات منفی و مایوس‌کننده می‌شوند و حتی صریح و روشن واز طریق رسانه‌های عمومی خود، مردم را به خانه‌نشینی و عدم شرکت در راهپیمایی یا مراسم خاصی تشویق می‌کنند. امام دقیقاً از همان جایی که آنها ضربه می‌زنند، درصدد زدن پانک و ضد حمله برمی‌آیند.

تجربه نشان می‌دهد هر وقت مردم، حضور چشمگیر

شیطنت‌آمیز و ضدیت استکبار کاسته می‌شود، هر چند رسانه‌های استکباری در بیان گزارش واقعی راهپیماییها و جلوه‌ها و صحنه‌های حضور باشکوه مردم هم آگاهانه توطئه می‌کنند و آمارها را به شدت تقلیل می‌دهند، اما واقعیت مناسبتها و مراسم ملی ایران، به هر طریق ممکن به گوش جهانیان و علاقمندان واقعی می‌رسد. توصیه یادگار امام را بار دیگر مرور می‌کنیم و آویزه گوشمان قرار می‌دهیم:

«شرکت در انتخابات از نصایح حضرت امام و بر همه ما واجب است. باید با شناخت شرایط حساس کنونی، به دنیا ثابت کنیم که در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی حاضریم. شرکت پر شور و شوق در انتخابات، نشان‌دهنده توجه مردم انقلابی ایران به

روحیه آزادی و آزادخواهی و استقلال خواهی لازم و ضروری می‌داند. نکته‌ای که متأسفانه معدودی در دوره‌های هر چند کوتاه و گذرا از آن غافل شدند، احساس ضعف کردند و کرنش نشان دادند و یاد برابر استکبار جهانی احساس شرم و ندامت کردند و حداقل به زبان دیپلماسی و با ادبیات سیاسی، به ابرقدرتها یا کشورهای قدرتمند و ثروتمند چراغ سبز نشان دادند. البته این کارها ناشی از خوش‌خیالی و ساده‌انگاری افرادی است که تصور می‌کنند ماهیت استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جهانخواز عوض شده است و برخی از آنان، حتی به ایجاد رابطه شفاف و علنی با آمریکا می‌اندیشند. مرحوم حاج احمد آقا پیوسته، به صراحت از خطر آمریکا سخن می‌گفت به اعتقاد و نظر امام رسیده بود که، «رابطه آمریکا با ما مثل رابطه گرگ و میش است.»

#### انتقادپذیری

یادگار امام در روزهایی که برخی، تحمل کوچک‌ترین انتقاد، حتی از نوع سازنده‌اش را نداشتند، انتقاد سازنده از مسئولین و عملکرد افراد را به استناد نظرات حضرت امام، از برکات الهی می‌دانست و معتقد بود این تصور غلطی است که برخی فکر می‌کنند از هیچ مسئول و مدیری نباید انتقاد کرد. او خطر این حاشیه‌امنی را در این می‌دانست که هر مسئولی، عملکرد خود را عین اسلام و حرف خود را حکم اسلام می‌داند. وی برای رسانه‌ها و رسالتی را تعریف می‌کند و آن هم اینکه از رسوب این روحیه‌ها در جمع خود جلوگیری کنند. یادگار عزیز امام با توجه به شناخت دقیق و ملموسی که از روحیات امام کسب کرده بود، اعتقاد داشت

**تجربه نشان می‌دهد هر وقت مردم، حضور چشمگیر داشته‌اند، تا مدتها پس از آن، از فشار شیطنت‌آمیز و ضدیت استکبار کاسته می‌شود، هر چند رسانه‌های استکباری در بیان گزارش واقعی راهپیماییها و جلوه‌ها و صحنه‌های حضور باشکوه مردم هم آگاهانه توطئه می‌کنند و آمارها را به شدت تقلیل می‌دهند، اما واقعیت مناسبتها و مراسم ملی ایران، به هر طریق ممکن به گوش جهانیان و علاقمندان واقعی می‌رسد.**

که خطر ترویج روحیه انتقادپذیری، به دیکتاتوری منجر می‌شود. هشدار می‌داد که می‌داد اثر تسامح و بی‌دقتی یا خدای ناکرده، به شکلی آگاهانه، زمینه بازگشت برخی از روحیات دوران ستمشاهی فراهم آید. بار دیگر کلام روشنگرانه یادگار امام را مرور می‌کنیم. وی در قسمتهایی از سخنان خود به روحیات امام اشاره دارد و می‌گوید: «متأسفانه بعضیها به غلط معتقدند اگر از سیاسی و یا عملکرد مسئولی در یک گوشه‌ای از کشور انتقاد شود، نظام





فرهنگی نامیده می شود، اولویت نداشت، چون هنوز آثار آن در جامعه به صورت یک معضل اصلی در نیامده بود. البته بدون تعصب باید گفت که دشمن حتی در دوران دفاع مقدس و در کنار تهاجم نظامی هم از مسئله فرهنگی غافل نبود. اینک که به گذشته برمی گردیم و تقویم تاریخ را ورق می زنیم، به خوبی درمی یابیم که چرا برخی از رزمندگان دوست نداشتند که حتی ایام مرخصی کوتاه و یا فرصتهای بین دو عملیات را در پشت جبهه و در شهرهای غیر جنگی، به خصوص تهران سپری کنند. آنها در دوران جنگ هم در بعضی از مناطق این کلان شهر با ظاهر و نمودها و رفتارها و قیافهها و افرادی روبه رو می شدند که دلشان می گرفت. گلایه های آن روز رزمندگانی که به جناح خاصی از گروه های سیاسی هم تعلق نداشتند و شکوه هایشان فرصت بروز نداشت، بی مورد نبود. شاید برخی هم این را هنر مدیریت کلان شهری می دانستند که نمی خواستند در تمام جلوه ها و رفتار و حرکات مردم، فرهنگ جنگی حاکم و جاری باشد. اما امروز که حدود پانزده سال از جنگ می گذرد، با گسست نسلیها و یا مشکل عدم همسویی نسل سوم انقلاب با آرمانهای بلند و آسمانی امام روبرویم. نسل سوم، هم آنچه را که می خواهند، نمی بینند و هم ما آنچه را که می بینیم، نمی خواهیم. این واقعیت دردناک را نباید به بهانه تلخی و یا توجیه خطر، نادیده گرفت که حتی فرزندان بسیاری از آدمهای ریشه دار و نسل اولی هم چندان مایه امید و رضایت نیستند، چه رسد به نسلهایی که نه مبارزه را تجربه کرده اند، نه اختناق را دیده اند، نه با آرمانهای معنوی امام و فلسفه نهضت و اهداف الهی آن آشنایند و نه شبی را در سنگر مبارزه به صبح رسانده اند.

#### استقلال خواهی

یادگار عزیز امام در تقویت روحیه استقلال خواهی و خودباوری و خودشناسی نیروهای خودی، معتقد به محاسبه است. او معتقد بود که باید کلاهمان را قاضی کنیم و نقاط قوت و ضعف خودمان را دقیقاً بشناسیم. در عین حال او باور داشت که ما هیچ چیزی از غربیها کم نداریم و تاکید می کرد که باید با پیروی از امام عظیم الشان، قناعت و تحمل مشکلات را بر وابستگی ترجیح دهیم. ناگفته نماند که این، توصیه مرحوم حاج احمد آقا خطاب به فرماندهان و مسئولان و کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است. باید با دقت و وسواس دریافت که چرا به این مخاطبان چنین فرموده اند. احمد آقا به عنوان امین و رابط امام با شورای عالی دفاع و فرماندهان جنگ، به خوبی از کمبودها، تحریمها و مشکلاتی که نیروهای مسلح به خصوص در دوران جنگ در تأمین و تجهیز ابزار نظامی و جنگی داشتند، باخبر بود. او می دانست که بالاخره تحریم همه جانبه استخبار و اقامار او چه فشار سنگین و شکننده و شرایط سخت و طاقت فرسایی را به نیروهای مسلح وارد کرد، به خصوص که سیستم ارتش هم از هر جهت وابستگی شدید و عمیقی به آمریکا داشت. از سوی دیگر، وی از تبلیغات شدید بیگانگان برای تضعیف روحیه رزمندگان هم کاملاً مطلع بود. اتفاقاً در ادامه این سفارشات و تأکیدات است که پیام اصلی را بازگو می کند. در واقع توصیه های مذکور را برای

جلوگیری از فاجعه ای بزرگ تر می گوید که همان وابستگی فکری و فرهنگی است. این نکته قابل تعمق است که وی بیش از ده سال قبل از اینکه گرفتار مسخ نسل جوان شویم، از خطر وابستگی فرهنگی و تپه شدن نسل جوان خبر می دهد و این حاکی از آینده نگری و تیزبینی اوست که حقیقتاً تربیت شده مستقیم امام و بهره مند از نفس مسیحیایی ایشان بود. یادگار امام می گوید: «تحقق استقلال همه جانبه نظام جمهوری اسلامی ایران در سایه خودباوری و خودشناسی نیروهای متخصص علمی میسر است. باید نقاط قوت و ضعف خودمان را دقیقاً بشناسیم. ما از لحاظ استعدادها، قابلیتها و امکانات بالقوه چیزی از غربیها کم نداریم و باید به پیروی از امام عظیم الشانمان، قناعت و تحمل مشکلات را بر وابستگی ترجیح دهیم. همه شئون نظام زیر فشارهای سخت دوران انقلاب بوده و هستند. امروز اوضاع اقتصادی کشور به خاطر اجرای طرحهای زیربنایی، بیشتر فشار را به طبقه ضعیف جامعه وارد می کند، اما همین طبقه ضعیف است که حقیقتاً آرمانهای انقلاب و امام را ادامه می دهد و این، بزرگ ترین عامل دلگرمی مسئولان نظام و انقلاب است. بزرگ ترین فاجعه و عامل تهدید کننده اصول انقلاب اسلامی، وابستگی فکری و فرهنگی است. امروز دشمنان، از همه ابزارهای فرهنگی و فکری خود برای مسخ نسل جوان و کارآمد ماهوره می جویند. لذا بر همه شیفتگان و دوستانان اسلام و انقلاب واجب است که برای مقابله با دشمنان قهار، مهیا شوند. حرکت به سوی استقلال اقتصادی و فرهنگی، حرکت باارزشی است که می تواند به استقلال همیشگی کشورمان منجر شود. همه ما کوشش کنیم که ایران اسلامی وابسته نباشد.»

#### روابط بین الملل

با مرور اندیشه ها و آرای یادگار امام در یافتیم که ایشان در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا چه میزان آگاهی و در بررسی و بیان اصول حاکم و روابط بین الملل چقدر امعان نظر داشته است. اصولاً بیان و بررسی اصولی که باید ترسیم شوند و سیاست خارجی کشور را بر مبنای آن پیش ببریم، بسیار مشکل و پیچیده هستند. اساسی ترین اصولی که روحشاد حاج احمد آقا از مجموعه و منظومه فکری امام برگرفته و بیان کرده است، بی تردید می تواند برای حوزه وزارت خارجه مفید و راهگشا باشد. البته اگر خدای ناکرده دچار رعبه و ابهت قدرت و کشورهای سیاس و ترفندهای پیچیده و سیاست بازیهای مارخورندگان افعی شده غرب و اروپا نشده باشیم، مهم ترین اصول مورد نظر وی را می توان بدین قرار برشمرد:

**احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر**  
حاج احمد آقا در سمینار

بین المللی بررسی سیره عملی و نظری حضرت امام خمینی گفته است: «حضرت امام (س) در عرصه سیاست خارجی، ارتباط با سایر کشورها را مبتنی بر احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر می دانستند.» یادگار امام این اصل را که شاید همه کشورها و حتی سازمانهای بین المللی حقوق بشر و حتی متجاوزترین کشورها، در قوانین خود از آن دم می زنند، ولی در عمل بدان پایبند نیستند، اندکی می شکافد، تفسیر می کند و نفی هر گونه سلطه سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و نظامی را برآیند اصول می داند. جالب است که امام در تحلیل و قرائت اصول حاکم بر روابط بین الملل هم ایدئولوژی را اصل می داند. آنگونه که یادگار امام تفسیر می کند، امام سلطه پذیری و سلطه گری را از جانب هر کشوری که باشد، نفی می کند، اما برای ایدئولوژی اسلام قائل به مرز نیستند. ایشان معتقد بودند که در عین پایبندی به اصل اول، به هیچ عنوان نباید نسبت به سرنوشته ایدئولوژی اسلامی و سایر مسلمانان بی طرف بود. انتقال پیام اسلام را از حالتی در امور داخلی کشورها نمی دانستند، زیرا بارها به اصل «انترناسیونالیسم اسلامی» اشاره می کنند. امام صدور انقلاب را به معنای دخالت در سایر کشورها نمی دانند. یادگار امام در تحلیل آرای امام به اختلاف ایشان با ملی گرایان داخلی هم اشاره دارد. آنچه ما از آن به عنوان صدور انقلاب نام می بریم و از نظر امام یکی از اصول استراتژیک نظام و انقلاب است، یاری رساندن به سایر ملل جهان در راستای دستیابی به آزادی است، ولی ملی گرایان با این تلقی و تفسیر و قرائت موافق نیستند. مذهبیین لیبرال معتقدند باید از این اصل فقط در محدوده و چهارچوب مرزهای ایران (داخل ایران) دفاع کرد. نکته اساسی و محل اختلاف امام با آنها دقیقاً در شکست چهارچوب داخلی است. امام به اصل جهانشمول مسلمین قائل بودند، ولی آنها فقط مسلمانان ایران را مخاطب این اصل می دانند.

امام به خوبی می دانستند که نمی توان ندای یک میلیارد مسلمان روی زمین را نادیده گرفت و فقط به داخل ایران محدود شد. امام

**آنگونه که یادگار امام تفسیر می کند، امام سلطه پذیری و سلطه گری را از جانب هر کشوری که باشد، نفی می کنند، اما برای ایدئولوژی اسلام قائل به مرز نیستند. ایشان معتقد بودند که در عین پایبندی به اصل اول، به هیچ عنوان نباید نسبت به سرنوشته ایدئولوژی اسلامی و سایر مسلمانان بی طرف بود. انتقال پیام اسلام را از حالتی در امور داخلی کشورها نمی دانستند.**







از انقلاب نباشد، کمتر نیست، چه بسا علت اینکه برخی نتوانستند در ادامه راه با امام همراهی کنند، عدم شناخت موضع و قدرت و رسالت و تعهدی بود که امام نسبت به دین خدا داشتند.

امام حتی عصاره و فلسفه نهضت اسلامی خود را در ایران انجام تکلیف می‌دانستند. همانگونه که در تحلیل نهضت و حرکت حضرت امام حسین در کربلا هم امر به معروف و نهی از منکر و انجام به تکلیف الهی را بیان می‌فرمودند و تعبیری قریب به این دارند که ما موظف به انجام وظیفه و

تکلیفیم، چه کشته شویم و چه بکشیم. در جنگ هم به کرات بر این اصل تأکید می‌فرمودند. امام به واقع در راستای همان مأموریت الهی عمل می‌کردند که جغرافیای سیاسی متداول ایران و حتی منطقه را به هم زد. از آنجا که امام فقط برای امت ایران، امام نبودند، اکثراً مخاطب خویش را مسلمانان جهان می‌گرفتند. اگر مأموریت امام سقوط رژیم پهلوی و برکناری شاه بود، باید ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را پایان مأموریت خود تلقی می‌کردند. اتفاقاً امام وقتی می‌دیدند که اهداف و معنویات و آینده نهضت، همواره از سوی آنان که در ایران منافعی داشتند تهدید می‌شود، چهار چوب داخلی را می‌شکستند.

امروز دفاع امام از صدور انقلاب کاملاً قابل لمس است. برخی از نیروهای مبارز، امام محدودتر، در همان آغاز نهضت هم از طرح اصل صدور انقلاب، چندان خوشنود نبودند. متأسفانه نسل دوم انقلاب از ترفندهای مختلف بیگانگان باخبر نیستند و تعریف و بازگویی آرای امام برای آنها، در ذهن و دلشان به باور و یقین تبدیل نمی‌شوند. آنان وضعیت خفت‌بار قبل از انقلاب را هم ندیده‌اند و طعم تلخ و گزنده تحقیر ملت ایران را تجشیده‌اند و لذا نمی‌توانند برخی از موضعگیری‌های فعلی کشور تحلیل کنند و بپذیرند. البته ما پس از پایان جنگ، در مجموع برنامه مناسب و مشخصی برای نسل دوم نداشتیم. از دیگر سو دشمن هم با تمام توان امکانات سعی کرد از شرایط خاص پس از جنگ نهایت استفاده را ببرد. نوع استدلال یادگار امام در دفاع از مسلمانان جهان، قابل تعمق است. وی از موضع حضرت امام در این باره چنین برداشتی دارد: «اگر مسلمانی در فرانسه مورد ظلم واقع شد، مثل این است که بیخ گوشمان در ایران به یک نفر مسلمان ظلم شده باشد.» یادگار امام با توجه به سخنان امام در بیان روابط دوستانه با سایر کشورها چنین می‌گوید:

«ما با حفظ استقلال خود، با تمام کشورها روابط دوستانه خواهیم داشت. مملکت، ما هستیم. مملکت، آنها نیستند. ما با همه ملت‌ها روابط دوستانه داریم. ما با هیچ ملتی دعوانداریم. دعوانی اگر هست، بر سر دولتهاست. دولتهایم اگر با ما احترام‌آمیز رفتار کنند، احترام متقابل خواهند دید. ما با تمام دولتهای در صورتی که در امور داخلی مداخلت نکنند و برای ما احترام قائل باشند، با احترام رفتار می‌کنیم. حکومت مستقلی است و در صورتی که کشورها دخالتی در امور

به جهان وطنی اسلامی معتقد بودند و آنها به ایران وطنی محض. ای کاش آنها در همه زمینه‌ها به اصول داخلی پایبند بودند، در حالی که وقتی بحث دموکراسی می‌شود، به سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر و حتی به امریکانیم‌نگاهی دارند، ولی وقتی بحث دخالت، تحریم، تحریک و ترفندهای بیگانگان علیه ما مطرح می‌شود، آنها موضع شفاف نمی‌گیرند. یادگار امام برای تبیین مواضع امام نمونه‌ای از پاسخ مسلمانان ایران به ندای هل من ناصر مسلمانان انقلابی فلسطین را متذکر می‌شود و اعلام می‌کند که این دفاع ما با هماهنگی و رضایت حضرت امام صورت گرفته است.

نمونه دیگر را باید موضعگیری تاریخی، انقلابی و صریح حضرت امام در برابر سلمان رشدی مرتد دانست. اینک که متأسفانه امام عزیز و یادگارشان از میان ما رخت برپسته‌اند و لیبیرالهاولمی‌گر اها از رونق و رمق افتاده‌اند، به عنوان شخص ثالث، می‌توانیم موضع و نظر هر دو طرف را مرور و عوارض و پیامدهای هر نظر و اندیشه را در ذهن خویش ترسیم کنیم و بررسی کنیم کدام مسلمان واقعی می‌تواند نسبت به اهانتها و مسخره‌گرفتن شان و مقام پیامبر رحمت و مکرمت حضرت رسول (ص) از سوی مرتدی چون سلمان رشدی بی‌طرف باشد؟! واقعاً اگر امام در برابر او و جریانی که این عروسک خیمه‌شهبازی را کوک می‌کرد، سکوت می‌کردند، آنها سر جایشان می‌نستند و سایر ارکان و اصول مقدسات مسلمانان را به مسخره نمی‌گرفتند؟! آیا آنها واقعاً عقب‌نشینی می‌کردند؟ ساده‌انگاری است اگر تصور کنیم سکوت ما یعنی رعایت و احترام به مقدسات. ساده‌لوحی است اگر حتی آنان که عرق اسلامی ندارند، باور کنند که حرکت امام در برابر سلمان رشدی و حامیان و مورجان و مدافعان اندیشه‌ها و آرای شیطانی او، حرکتی تند و غیراصولی بوده است. ناگفته پیداست که استکبار و عوامل گوناگون آن، در هر جا که مقاومت و پایمردی دیده‌اند، عقب‌نشینی کرده‌اند و هر جا با تساهل و تسامح روبرو شده‌اند، به تجاوز و پیشروی خود ادامه داده‌اند. اگر چه متأسفانه مسلمانان جهان نتوانستند به خواست الهی امام عزیز در نابودی سلمان رشدی جامه عمل بپوشانند و زمین خدا را از لوث وجود ناپاکی چون او پاک کنند، اما همان ترس و خوف و اضطراب تا پایان عمر جوی او و حامیانشان کافی است که هر لحظه احساس کنند در تیرس یک انقلابی مسلمان قرار خواهند گرفت، تا آنجا که حتی از سایه خود هم بترسند. او باید تا پایان عمر در پناه محافظین ویژه رفت و آمد کند یا با تغییر چهره و نام و مشخصات شناسنامه‌ای، سفر و زندگی کند. حقیقتاً باید به روح امام (ره) درود فرستاد که وقتی احساس تکلیف می‌کردند، رضای خدا و حمایت از دین خدا را بر همه چیز ترجیح می‌دادند. مردی که حتی سالها پس از ارتحال، هنوز حکم و فتوایش، سایه ترس را بر سر کفار و مرتدان انداخته است. می‌تواند برای فردای امام ثواب این فتوا اگر بیشتر

**امام حتی عصاره و فلسفه نهضت اسلامی خود را در ایران انجام تکلیف می‌دانستند. همانگونه که در تحلیل نهضت و حرکت حضرت امام حسین در کربلا هم امر به معروف و نهی از منکر و انجام به تکلیف الهی را بیان می‌فرمودند و تعبیری قریب به این دارند که ما موظف به انجام وظیفه و تکلیفیم، چه کشته شویم و چه بکشیم. در جنگ هم به کرات بر این اصل تأکید می‌فرمودند. امام به واقع در راستای همان مأموریت الهی عمل می‌کردند که جغرافیای سیاسی متداول ایران و حتی منطقه را به هم زد.**

داخلی ما نکنند، با آنها روابط دوستانه داریم.»

**دفاع از مظلوم، دشمنی با ظالم**

بر اساس تفسیر و تحلیل یادگار امام از آرای ایشان، دفاع از مظلومین و دشمنی با ظالمین، یکی دیگر از اصول مادر روابط بین‌الملل است. در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، این اصل بارها مطرح شده است. شاید بتوان یکی از بارزترین جلوه‌های این اصل را در فلسفه وجودی نهضت عاشورا دید. برخی اجرای اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر، برخی ایستادگی امام حسین در برابر ظلم و عدم بیعت با باطل و یا پایمردی و یافشاری حضرتان بر حق و عدالت را فلسفه بنیادین نهضت عاشورا دانسته‌اند. باید گفت این اصول در هم تنیده و به هم بافته‌اند.

شبهه افکنان در مورد به اجرا در آوردن اصل دوم، یعنی دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم هم همان شبهه اصل اول را مطرح می‌کنند و معتقدند که این مأموریت فقط باید در داخل ایران صورت پذیرد. در دفاع از این اصل، باز هم مرحوم حاج احمد آقا به سخنان و بیانات حضرت امام استناد می‌کند که فصل الخطاب و کلام آخر است:

«مادر روابطمان با سایر کشورها و دولتها، همچنان که ظلم را نمی‌پذیریم، به کسی هم ظلم نمی‌کنیم، ما با هر کشوری که بخواهد ظلم کند، مخالفیم. حال این کشور چه در غرب باشد، چه در شرق، رابطه با کشورهای خارجی که نمی‌خواهند ما را بیلعنند، باید باشد. با آنها که می‌خواهند از طریق روابط، ما را وابسته کنند، هیچ لزومی ندارد و باید با احتیاط با آنها برخورد شود. ما طرفدار مظلوم هستیم. هرکسی در هر قطبی و در هر کشوری که مظلوم باشد، ما طرفدار او هستیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم.»

**مبارزه تا رفع فتنه در عالم**

امام در ادامه این رهنمودهای تاریخی و مهم، حکم می‌کند که ما مرزی برای انجام این مأموریت و پیاده کردن این اصل قائل نیستیم. این دیدگاه با اصول حاکم بر سیاستهای استکباری در



۱۳۵۶ - جنوب لبنان



این نوع نگاه و قرائت، بسیار سنگین و دیر هضم باشد. امام دقیقاً می دانستند که مردم در ادامه مبارزه و مقابله با استکبار، ممکن است خسته شوند یا تحریمهای استکبار جهانی، روحیه ملت را تضعیف کند، ولی می دانستند که اگر به مردم صادقانه خدمت کنیم، آنان قدر می دانند و تا آخر پشتیبان نظام و حکومت خواهند بود.

#### اتکا به خدای بزرگ

اصولاً رهبرانی الهی چون امام که نگاه توحیدی دارند، در همه امور به نیروی لایزال الهی و عنایت خاص به حضرت حق سبحانه و تعالی متکی هستند و او را عنوان اصلی ترین و اساسی ترین مبنای نگاه و تلقی و حرکت و حتی کلام و سخن خویش می دانند. این نکته نیز از اصلی ترین اختلافات در تعریف و عمل به شئون حکومتی و روابط بین المللی و حتی اقتصاد و سیاست است.

امام به خوبی می دانستند که ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در میان دو قدرت بزرگ روزگار خود (شرق و غرب) گرفتار بوده است. در عین حال که غرب در ایران جایگاه و نفوذ داشت، رعایت حال شرق را هم می کرد. غرب، ایران را به عنوان پایگاه مقاومت و تجاوز به شرق تجهیز نکرده بود، ولی از آن به عنوان محوری برای کنترل کشورهای منطقه استفاده می کرد و ایران را به سلاح و تجهیزات پیشرفته نظامی مسلح کرده بود. اگر چه در مواردی به عراق به عنوان وابسته به ابرقدرت شرق آن روز، گاهی چنگ و دندان نشان می داد و سران حکومت پهلوی حتی مخالفان و مبارزان مسلمان را هم به عنوان مارکسیست و کمونیست معرفی می کردند و برخی را از خطر نفوذ شوروی می ترساندند و تهدید می کردند، اما در همان حال سهم شوروی را از منابع گاز ایران کنار گذاشته بودند و اگر حق السکوت هم تلقی شود، بالاخره شوروی هم از خان نعمت ایران بی بهره نبود. بعد از پیروزی هم امام، می دانستند که در میان دو ابرقدرت واقع شدن ایران، از جفتی برکت است. دیدیم که در ادامه به گونه ای حرکت کردیم که در میانه ماندم و استقلال کشور هم حفظ شد. امام رمز پیروزی را دو چیز می دانستند: یکی اتکا به قدرت الهی و دیگری نیروی مردم. من معتقدم تواضع امام در حدی بوده است که نقش مهم و اساسی و الهی رهبری خود را نادیده می گرفتند، زیرا از طرح آن بوی حب نفس یا خودخواهی احساس می کردند، ولی ما باید بر آن تأکید خاص بورزیم. در بسیاری از کشورهای جهان حتی جمعیت مسلمانان بیش از ماست. اعتقاد به خداوند هم که خاص ایران و ایرانیان نیست، اما چرا در آن کشورها انقلاب و نهضت رخ نمی دهد؟ اینجانب معتقدم رکن اساسی و مهمی که این امکان و فرصت و عطیه را در جهت احیای دین خدا به ثمر می رساند، رهبری آگاه به دین و اصول آن است که مردم را عمیقاً بشناسد و بتواند با کمک مردم و اتکای به خدا، زمینه نهضت را فراهم آورد. اتفاقاً رمز پیروزی در همین سه رکن است و استکبار و اقبال آن چون قادر به درک این رمز نیستند، همیشه در تحلیلهای و برداشتهای و حتی برنامه هایشان با جمهوری اسلامی، دچار مشکل می شوند.

«اتکای به خدای بزرگ و نیروی شکست ناپذیر ملت، همان قدرت معجزه آسای است که چهارده سال پس از رحلت حضرت امام، هنوز هم قدرتهای بزرگ را در مانده کرده است. استیصال آنان ناشی از تفکر غنی، نو و مترقی امام و وفاداری امت امام به راه ایشان است. امام همواره متکی به قادر متعال و نیروهای مردمی بودند. رمز اصلی پیروزیهای امام که تاکنون برای جهان غرب و شرق ناشناخته مانده، در همین نکته نهفته است.» امام در تحلیل اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل، همان سخن تاریخی و تمثیل گونه و پرمحتوا را بیان فرمودند که، «ما رابطه با آمریکا را

**به امام (ره) هشدار می دهیم که استکبار جهانی، ما را از حکومت ساقط می کند و شما را تحت فشار حصر اقتصادی قرار می دهد، کارخانه ها تعطیل می شوند، کارهای عمرانی و زیربنایی متوقف خواهند شد، چون شما ابزار، تکنولوژی، تخصص و دانش لازم را ندارید. اگر بخواهید یک قطعه از هواپیما را تهیه کنید، باید از طریق قدرتهای خارجی وارد کنید. امام (ره) این گونه پاسخ می دهند، «وقتی ما خدمتگزار شدیم به ملت و ملت هم پشتیبان شد، طمع خارجیها به کلی قطع می شود.»**

داریم که ملل اسلامی در آئینه نزدیکی بر استعمار چیره می شوند. ما در موقع خود از هیچگونه فداکاری دریغ نمی کنیم.» به امام (ره) هشدار می دهیم که استکبار جهانی، ما را از حکومت ساقط می کند و شما را تحت فشار حصر اقتصادی قرار می دهد، کارخانه ها تعطیل می شوند، کارهای عمرانی و زیربنایی متوقف خواهند شد، چون شما ابزار، تکنولوژی، تخصص و دانش لازم را ندارید. اگر بخواهید یک قطعه از هواپیما را تهیه کنید، باید از طریق قدرتهای خارجی وارد کنید. امام (ره) این گونه پاسخ می دهند، «وقتی ما خدمتگزار شدیم به ملت و ملت هم پشتیبان شد، طمع خارجیها دیگر به کلی قطع می شود.» شاید برای آنان که تحرک و پویایی و مبارزه و قتال را از دین و احکام خدا کنار گذاشته اند و در عمرشان سرآب ایات جهاد نمی روند،

تعارض آشکار است. به اعتقاد مخالفان این نظریه، شاید در قیاس ملی بتوان پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین بود، اما در فراسوی مرزها چنین کاری بسیار مشکل است. امام (ره) صراحتاً می فرمایند، «ما در مسیر دفاع از مظلومین، مرز را قبول نداریم. مسلمانان وظیفه دارند در هر جای دنیا پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشند.» در مقابل، دنیای استکباری می گوید، «شما پشتیبان مسلمانان باشید، اما برای نجات آنها وارد عمل نشوید.» امام می فرمایند، «ما به حرف و پشتیبانی معنوی بسنده نمی کنیم. ما نمی توانیم در خانه هایمان بنشینیم و در قبال ظلمی که به مسلمانان می شود، ساکت باشیم.» امام حمایت از مسلمانان مظلوم را در اقصی نقاط عالم، یک تکلیف اسلامی می دانند. هر مسلمانی موظف است ظلم را ریشه کن کند. اگر ما چنین کردیم، در مقابلش باید تبعات آن را چگونه جواب بدهیم؟ بالاخره نظام اقتصادی دنیا به هم وابسته است و آنها ما را تحریم خواهند کرد. امام می فرمایند، «ما با هر نوع معامله ای که به مصالح مسلمین آسیب برساند، مخالفیم. یعنی فقر و گرسنگی با عزت بر فاه ذلت مقدم است. دفاع از اسلام و حزب الله، اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. حزب الله کسانی نیستند که فقط در میدان سیاسی حاضرند، بلکه افرادی هستند که برای مبارزه عملی با ظلم و استکبار جهانی اسلحه به دست می گیرند و تارفع فتنه در عالم و تحقق حکومت عدل، لحظه ای دست از مبارزه نمی کشند.» امام به جهان اسلام نگاه امت واحده دارند. به واقع باید گفت آنان که برای مبارزه، گرفتار و مقید به مرز و تعریف و رسم جغرافیایی، با امام در مبانی تفاوت دارند. یادگار امام از محتوای کلام امام برداشت دقیق و نابی دارد. امام عبارتی دارند که بسیار معروف و مشهور است:

«اهتمام به امور مسلمین از فرایض مهمه اسلام است.» و یا، «اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است.» گروهی، از این عبارت عمیق و نجاتبخش، برداشتی سطحی دارند و معتقدند وظایف مسلمین به عبادات جاری و نماز و روزه ختم و محدود می شوند. یادگار امام به هیچ عنوان نمی پذیرفت که هدف امام از طرح این مسئله، این معنا بوده باشد. به این قسمت از سخن یادگار امام [برگرفته از سخنان و یا تاسی به امام] توجه کنید: «ما در کنار حزب الله عزیز در مقابل دنیای استکباری می جنگیم و هرگز حساب خودمان را از سایر مسلمانان جدا نمی داریم، زیرا همه ما ملت واحد اسلامی را تشکیل می دهیم. در این شرایط، استراتژی مبارزاتی حضرت امام پر رنگ تر و آشکارتر می شود: «اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است. مبارزه واجب تر از نماز است. اهتمام به امور مسلمین از فرایض مهمه اسلام است. ما امید و اتق



آبان ۵۸. حضور در لانه جاسوسی سابق آمریکا





اسلامی و یا برخورد با دشمنان اسلام، داد و قبال قدرتهای بزرگ تندی نکنیم و از طریق مسالمت آمیز، اهدافمان را تأمین کنیم. بعد از مدتی خواست خدا بود که مسئله سلمان رشدی به وجود آمد و همه مسلمانان دنیا از حکم امام پشتیبانی کردند و استعمارگران و ادار به تعدیل مواضع کفرآمیزشان شدند. امام فرمودند: «آیا در قضیه سلمان رشدی، این ما بودیم که با آنها بدرفتاری کردیم و مواضع پرخاشگرانه داشتیم؟! این قضیه نشان داد که دنیای ظلم و استکبار با اسلام دادور دارد. چرا آنها تر جیح می دهند از سلمان رشدی هتاک و مرتد در برابر احساسات مذهبی بیش از یک میلیارد مسلمان دفاع کنند و اعتقادات یک میلیارد مسلمان دنیا را نادیده انگازند؟»

دعوی استکبار اساساً با اسلام، پایان نپذیرد است. همانگونه که سازش بین حق و باطل غیر ممکن است و تاپیروزی نهایی اسلام بر جبهه باطل، مبارزه مسلمانان ادامه خواهد داشت. امروز، ایران اسلامی ام القریای جهان اسلام و مصداق آرمانهای الوالی اسلامی است. همانگونه که استکبار در بوسنی و هرزگوین، از زشهای اسلامی را مورد تهاجم بی رحمانه خود قرار داده است، لحظه‌ای نمی تواند شعار نورانی حقیقت اسلام را در هیچ جای عالم تحمل کند.

عرایضم را با کلامی دیگر از پیر و مرشدان امام عظیم الشان به عنوان حسن ختام، پایان می دهم: «آنان که بر این باورند که باید در سیاست و اصول دیپلماسی، تجدیدنظر کنیم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعراهای تند یا جنگ، سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزواي کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما مقابله نخواهد کرد. انسانی می‌کنند و به ملت ما و اسلام و مسلمین احترام می‌گذارند، این قضیه سلمان رشدی یک نمونه است که خدا خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت، چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به در آییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله، اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهانتخواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی سلمان رشدی آن قدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیستها و استکبار، پشت سر او قرار بگیرند. روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهید، حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست، خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده یا خیر؟ نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا، آثار و تبعات داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم. خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیلگر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلام براییم، والا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانتخواران نیست.»

استکبار دراز کنند تا به تصور خود احتمال خطر را حتمی عملکرد و موضعگیریهای مدیران را در شرایط جنگ زیر سؤال ببرند و تصمیم‌گیریهای دوران جنگ و سیاستهای شرایط جنگی را هضم نکنند. امام پیشاپیش تکلیف آنها را روشن کردند و به صراحت رهنمودهایی روشن‌گر و مشکل‌گشا دادند.

پایان بخش این مقاله را سخنان و تحلیل‌های یادگار امام در باره مباحث فوق‌الذکر قرار می‌دهیم، باشد که تکرار و بازخوانی آنها، ما را از خواب غفلت و فراموشی بیدار کند. «هر کسی در هر مقامی که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه‌ای، او را از صفحه روزگار براندازیم.» اصل‌شوخی در کار نیست. امام (ره) می‌گفتند، «یکی از مراجع با بالاترین مدارج علمی آمده بود، اما بعد معلوم شد عامل استعمار است. خلاصه کلام اینکه، اگر فرد یا افرادی خواستند منافع مسلمین را در قبال منافع کوتاه‌مدت (مثل به راه انداختن کارخانه‌ها و مسائلی از این قبیل) به استعمارگران بفروشند، اینگونه افراد در میان مردم و انقلاب جایگاهی ندارند. بعد از جنگ تحمیلی، عده‌ای آمدند و مطرح کردند که به مناسبت گرایشهای

می‌خواهیم چه کنیم؟ رابطه آمریکا با ما مثل رابطه گرگ و میش است.»

پیام تمثیل گرگ و میش همان اصل عدم سلطه‌پذیری و عدم سلطه‌گری است که در اصل اول اندکی بدان پرداختیم. اگر کشوری خواهان سلطه بر کشور دیگر باشد، گرگی است که از آن باید پرهیز کرد. از کسانی که شاید چندان از این شعار چندان خوششان نیامده است، باید پرسید، «مگر گرگ، ماهیت گرگی خود را از دست داده است که برخی از سر ساده‌لوحی، برای برقراری رابطه با آمریکا لحظه‌شماری می‌کنند؟» عجیب از این زمانه، آیا اینکه در برابر چشم‌انمان و در بغل گوشمان، عملکرد آمریکا را در دو کشور همسایه افغانستان و عراق به شکلی محسوس و به عینه مشاهده می‌کنیم، باز هم تصورمان این است که آمریکا فرشته نجات شده است!

امام خمینی بنا به تحلیل یادگارشان، اتکا به نیروی خدا را همراه با نیروی مردمی، بسیار کارآمد می‌دانستند. اندکی دقت و ظرافت لازم است که مبادا توکل و اتکا به نیروی الهی را با قبول نیروهای مردمی و شایسته ترکیب بر آنها، یکی بگیریم و خدای ناکرده با این تساوی و تعادل، به وادی شرک نزدیک شویم. امام معتقد بودند باید به مردم، توان بالا و نیروی متراکم بسیج مردمی و حضور آنان در صحنه‌های گوناگون انقلاب بپردازد. تمام مأموریتها، سختیها و مشکلاتی که انبیا و اولیای خدا، در طول تاریخ، به جان خریدند، برای کسب رضایت خداوند بوده است. اگر امتی نباشد، شریعتی بر آنان مقدر نمی‌شود. اگر امتی نباشد، اعزام رسول سؤال برانگیز می‌شود. امام به خوبی می‌دانستند که بدون مردم، نهضت، انقلاب و حتی تشکیل حکومت معنا ندارد و لذا در بررسی اصول حاکم بر روابط الملل هم‌رومی مردم و به رسمیت شناختن آنان تأکید خاصی داشتند.

#### دشمن‌شناسی

آخرین اصل که در این مقاله بر آن تأکید می‌شود، اصل «دشمن‌شناسی» است. کسانی که برخی از مواضع امام را تند می‌دانستند و یا از مقابله و تهاجم با آمریکا خوف داشتند، حتی امام را نصیحت می‌کردند که بهتر است برای حفظ منافع کلی نظام، اندکی عقب‌نشینی کنیم یا در برابر توطئه سلمان رشدی، راه سکوت را در پیش بگیریم و از کنار قضیه بایستی توجهی بگذریم. در جریان جنگ هم برخی این زمزمه را سردادند که اینکه جنگ تمام شده، بهتر است در قبال قدرتهای بزرگ تندی نکنیم. امام گویا از سالها قبل از رحلت، پیش‌بینی کردند که ممکن است بعد از جنگ، برخی در مورد قضیه سلمان رشد بگویند بهتر است در اصول دیپلماسی و سیاست خود تجدید نظر کنیم و افرادی گرم و سرد روزگار نچسبیده، دست دوستی به سوی

**دعوی استکبار اساساً با اسلام، پایان نپذیرد است. همانگونه که سازش بین حق و باطل غیر ممکن است و تاپیروزی نهایی اسلام بر جبهه باطل، مبارزه مسلمانان ادامه خواهد داشت. امروز، ایران اسلامی ام القریای جهان اسلام و مصداق آرمانهای الوالی اسلامی است.**

